

فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۱

امام خمینی (ره): قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلحه، اساس امنیت هستند. (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۱۹)

امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران

حسین علایی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۲۲

چکیده

مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت پایدار در افق ۱۴۰۴، داشتن جامعه‌ای «امن»، «باتبات»، «توسعه‌یافته» و «الهام‌بخش» است که از هدف‌های سند چشم‌انداز می‌باشد. بدون تأمین امنیت پایدار در برابر تهدیدها و آسیب‌های متصور، امکان نیل به هدف‌های بیست‌ساله غیرممکن است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی و ارزیابی چستی و مفهوم امنیت پایدار، چگونگی نیل به آن براساس الگوی سند چشم‌انداز با شیوه «تحلیل محتوی» مورد توجه قرار گیرد. اطلاعات مورد نظر برای انجام این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. به این منظور، با روش تحلیل محتوای سند چشم‌انداز، شیوه‌های تحقق امنیت پایدار مورد بررسی قرار گرفته و احصا شده‌اند. در این نوشتار، چشم‌انداز ایران به‌عنوان جامعه‌ای امن در سال ۱۴۰۴، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نگاه سند چشم‌انداز به امنیت پایدار از نوع ایجابی بوده و تعامل مؤثر و سازنده با ملت‌ها و دولت‌های جهان و نیز پیشرفت و توسعه اقتصادی مستمر، پیش‌نیاز نیل به «امنیت پایدار» در افق ۱۴۰۴ است.

واژگان کلیدی: ج.ا. ایران، سند چشم‌انداز، قانون اساسی، امنیت پایدار، تعامل سازنده

۱. دانشیار دانشگاه امام حسین (ع). Alaei_hossein@yahoo.com

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله و اهمیت تحقیق

کشورهایی که دارای رویکرد آرمانی و رسالت راهبردی می‌باشند، برای بقای راهبردی و مقابله با تهدیدهای متصور علیه خویش، نیازمند برخورداری از ظرفیت‌های مناسب بازدارندگی و اقتصادی و نیز استفاده از ابزارهای مناسب و مؤثر برای مواجهه با ناپایداری‌های امنیتی هستند، بنابراین کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران که معتقد به الحاق به قدرت‌های بزرگ برای تأمین امنیت خود نیست و امکان شکل دادن به یک ائتلاف منطقه‌ای را نیز برای برقراری ثبات امنیتی ندارد، نیازمند به تکیه بر ظرفیت‌های ملی و توانمندی‌های مردمی خویش است. در چنین وضعیتی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توانایی لازم را برای «واپایش (کنترل) شکل بازی» در خاورمیانه در خود به وجود آورد و ساختارهای اجتماعی، هنجاری و اعتقادی خود را با واقعیت‌های محیطی سازگار و هماهنگ سازد. مسئله و موضوع این تحقیق بررسی چگونگی نیل به امنیت پایدار بر مبنای رویکرد سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی است، بنابراین همان‌گونه که ضرورت ایجاد نظام سیاسی مطلوب برای تحقق هدف‌های حکومت اسلامی، موضوعی اجتناب‌ناپذیر است، سازماندهی تدابیری برای حفظ امنیت پایدار این نظام نیز از ضرورت‌های حوزه اقتدار ملی محسوب می‌شود. طبیعی است که بررسی نگاه سند چشم‌انداز به مهم‌ترین مقوله زمینه‌ساز پیشرفت کشور یعنی چگونگی تحقق امنیت پایدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱-۲. هدف‌های پژوهش و پرسش تحقیق

هدف اصلی از این تحقیق مشخص کردن رویکردهای سند چشم‌انداز به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب یعنی تأمین امنیت پایدار شهروندان است. بررسی نگاه سند چشم‌انداز به مقوله امنیت پایدار می‌تواند رویکرد دفاعی و اقتصادی کشور را

برای دو دهه آینده مشخص سازد، بنابراین نیروهای مسلح می‌توانند آینده خود را در آینده سند چشم‌انداز مشاهده نمایند و راه‌های تحقق امنیت پایدار را بر اساس رویکرد سند چشم‌انداز برنامه‌ریزی نمایند. حال پرسش محوری این پژوهش این است که رویکرد سند چشم‌انداز نسبت به مقوله امنیت پایدار چیست؟ همچنین بر اساس سند چشم‌انداز نیروهای مسلح و ساختار دفاعی کشور چه نوع سیاست دفاعی از جمله «بازدارندگی» یا «دفاع پیشدستانه» را باید انتخاب نمایند؟

۲. چارچوب نظری و الگوی مفهومی امنیت پایدار

امنیت و استمرار آن هم به‌عنوان هدف و هم به‌عنوان وسیله، از جمله آرزوها و خواسته‌های اصلی آحاد جوامع بشری است (Law, 1994: 94-110). عرصه امنیت و مقوله‌ها و موضوع‌های امنیتی، حوزه بسیار مهم، پیچیده، بغرنج و حساسی هستند و نمی‌توان برای آنان هویتی شفاف ترسیم کرد. در پهنه مسائل امنیتی نمی‌توان انتظار نتیجه مشخصی را داشت. نمی‌توان به بازی بدون خطا و بدون هزینه اندیشید و نمی‌توان برای ایفای نقش خود به پیش‌بینی دقیق وقایع و اقدام‌ها دل‌خوش داشت (تاجیک، تابستان ۱۳۷۷: ۲۰). گستره مفهوم امنیت، عرصه تصمیم‌سازی، کنش و واکنش‌های حرفه‌ای است. امنیت مفهومی ذهنی، نسبی و مقوله‌ای چندوجهی است که رابطه‌ای متقابل و دو سویه با «پیشرفت» و «توسعه پایدار»^۱ دارد. در قرآن کریم، آیات زیادی درباره اهمیت امنیت و جایگاه رفیع آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان وجود دارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۳۸۳). در احادیث نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز در این باره سخن فراوان گفته شده است. از جمله پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «نعمتان مجهولتان الصحة و الامان» (روضه‌الواعظین: ۴۷۲) یعنی دو نعمت «سلامتی» و «امنیت» قدرشان نامعلوم است. نظریه اسلامی درباره امنیت پایدار را

می‌توان در آیه ۵۵ سوره نور، در قرآن مجید یافت: «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون»، یعنی «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتما آنها را در زمین جانشین کند، چنانکه اسلافشان را جانشین کرد و دینشان را که برایشان پسندیده برای آنها استقرار بخشید و خوفشان را به امنیت بدل سازد. آنان مرا بندگی می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند و هر کس پس از آن کفر ورزد آنها فاسق‌اند». به هر حال نام دین اسلام و اعلام سلام به دیگران ریشه در امنیت دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۹ - ۱۵۷). امنیت، جزو موضوعاتی است که در تاریخ، دچار تحول نظری و تغییرات مفهومی زیادی شده است. برای مثال مکتب واقع‌گرایی بر امنیت نظامی و سخت‌افزاری تأکید دارد و بازی با حاصل جمع صفر را دنبال می‌کند. امنیت از دیدگاه این مکتب به مفهوم نبود تهدید و داشتن قدرت است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵). واقع‌گرایان معتقدند که برای حفظ صلح در نظام بین‌الملل نباید به دنبال امنیت مطلق بود؛ زیرا امنیت مطلق برای یک قدرت به مفهوم ناامنی مطلق برای سایر دولت‌ها خواهد بود و این امر موجب ظهور پدیده «تنگنای امنیت» خواهد شد (مکین لای، ۱۳۸۰: ۱۵۱). هر پدیده امنیتی، با «تهدیدها» و «فرصت‌هایی» بالقوه قرین است. در چنین زمینه‌ای، بازیگران همه در پی کسب «خیر» و دفع «ضرر» هستند. مکتب واقع‌گرایی شامل مجموعه‌ای از نظرات و دیدگاه‌هایی است که رویکرد ناظر بر قدرت را در روابط بین‌الملل ترجیح می‌دهند (ربیع، ۱۳۸۳: ۳۷). این مکتب، منابع قدرت را بیشتر با توانمندی مبتنی بر زور ارزیابی می‌کند و برآوردهای راهبردی آن هم بر همین مبنا استوار است. بنابراین در امنیت‌سازی از قدرت سخت استفاده می‌شود (افتخاری، دی‌ماه ۱۳۸۹: ۳). در دوران جنگ سرد، امنیت با شرایط موجد مزیت نظامی و دفاعی، وضعیت روابط خارجی مطلوب یا چشم‌انداز دفاعی قادر به مقاومت موفقیت‌آمیز در برابر اقدام خصمانه مخرب

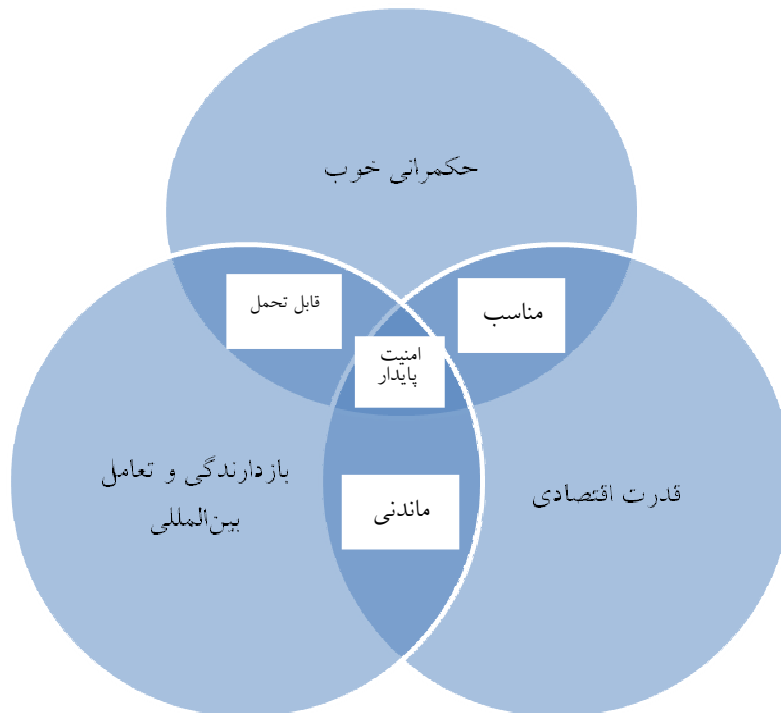
آشکار یا مخفیانه داخلی یا خارجی، توصیف می‌شد (Dep of Defense, 5 June 2003: 38). در دوران نظام دوقطبی، قدرت به شکل نظامی تعریف می‌شد و از این رو امنیت نیز تک‌بعدی و از دیدگاه نظامی قابل درک بود، ولی در عصر جهانی شدن با تکثر قدرت در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دانش فنی و فناوری، امنیت نیز دارای تعریف و تغییری چندبعدی گردیده است. با پایان یافتن دوران جنگ سرد و شکل‌گیری روابط جدید در نظام بین‌الملل، اولویت‌های امنیتی نیز دستخوش تحول شد و امنیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین وجه امنیت ملی مطرح گردید. روند جهانی شدن، گسترش تجارت بین‌الملل و جریان بین‌المللی سرمایه‌ها، مهم‌ترین عواملی هستند که امنیت اقتصادی را در صدر توجهات امنیتی قرار داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که فراهم کردن بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورها بدون وجود امنیت اقتصادی میسر نیست (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷: ۸). تمایل بر رهیافت لیبرالیسم بین‌المللی در قالب نهادگرایی و اهمیت جنبه اقتصادی امنیت باعث شده که رابرت مک نامارا امنیت را چنین توضیح دهد: اکنون دیگر امنیت کشورها تنها در دست نیروهای نظامی نیست؛ بلکه به موازات نیروهای نظامی، الگوهای اقتصادی و رشد سیاسی در یک کشور و سایر کشورها نقشی برابر دارند. تأمین امنیت دیگر در سایه سلاح نیست؛ بلکه در گرو فکر انسان و در سایه امنیت به‌معنای توسعه است (Cohen, 1987: 26). مکتب لیبرالیسم بر نهادهای مشترک بین‌المللی مانند ناتو تأکید می‌کند. لیبرال‌های متعادل معتقدند که مسائل امنیتی جهان را می‌توان با تأسیس دو نهاد «نظام اقتصادی لیبرال جهانی» و «عامل امنیتی بین‌المللی» مدیریت و حل و فصل نمود (مکین لای، ۱۳۸۰: ۸۰). امنیت در عصر جهانی شدن را باید در تعامل و تقابل با موضوع‌هایی مانند «رژیم‌های بین‌المللی»، «هنجارها»، «توسعه»، «وابستگی متقابل»، «بازیگران بین‌المللی» و «سازمان‌های غیردولتی» تفسیر کرد. در عصر جهانی شدن، محیط امنیت بین‌المللی در مقایسه با دوران نظام دوقطبی و جنگ سرد، بسیار پیچیده‌تر می‌باشد. با از بین رفتن تهدید جنگ جهانی

برای ابرقدرت‌ها، منازعه‌ها و درگیری‌های داخلی کشورها جایگزین آن شده است؛ به گونه‌ای که این موضوع ثبات و امنیت داخلی و منطقه‌ای را تضعیف می‌کند. چالش اصلی نظام بین‌الملل افزون بر تروریسم، افزایش تعداد کشورهای ضعیف یا حتی ورشکسته مانند سومالی، افغانستان، سوریه و پاکستان است که قادر به مهار تحولات داخلی در قلمرو خود نیستند. از این‌رو خود دولت‌ها در عصر جهانی شدن به‌عنوان عامل ضدامنیت برای قدرت‌های بزرگ مطرح می‌شوند. اینکه امروز امنیت بیش از هر زمان دیگری مبهم، نارسا و متناقض است، بدون شک ریشه در بی‌نظمی‌های روندهای جهانی شدن دارد. البته برای کشورهای مستقلی مانند جمهوری اسلامی ایران، مسئله امنیت از نگاه مداخله قدرت‌های بزرگ در امور داخلی سایر کشورها نگرینگیسته می‌شود و مهم‌ترین عامل ناامنی منطقه‌ای، قدرت‌هایی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند که برای امنیت خود، امنیت سایر ملت‌ها و دولت‌ها را نادیده می‌گیرند یا به خطر می‌اندازند. در بعضی مناطق جغرافیایی، جهانی شدن منجر به ایجاد چشم‌اندازهای امنیتی پیچیده‌ای شده است (Mitchell, 2000: 18). امنیت در عصر جهانی شدن بر پایه مفهومی از امنیت نظام‌مند استوار است که در آن امنیت بخشی از یک شبکه با سایر اجزای آن شبکه، به هم پیوسته بوده و کلیت شبکه نیز پیوسته بر اجزای منفرد آن تأثیر می‌گذارد. جهانی شدن از یک‌سو مفهوم امنیت را به طور کلی متحول کرده است و از سوی دیگر بر امنیت در بُعد نظامی به طور خاص تأثیر گذاشته است و با تغییر قواعد بازی در روابط بین‌الملل، شیوه حل و فصل تعارض‌های جهانی را تغییر داده است. بنابراین در تحولات مفهومی امنیت، در دوران نظام دو قطبی بر تعیین عنصر «تهدید» در نیل به امنیت توجه می‌شد، اما هم‌اکنون افزون بر آن، بر تعیین عنصر «فرصت» نیز تأکید می‌شود. مفهوم نوین امنیت از یک‌سو دلالت بر تنوع ابعاد امنیت و تغییر قاعده بازی دارد و از سوی دیگر بر بهره‌گیری از فرصت‌ها نیز تأکید می‌ورزد. امنیت هنگامی تأمین می‌شود که جامعه به موازات وجوه بازندارندگی امنیت، به وجوه مثبت امنیت ملی و

جنبه‌های ایجابی آن نیز دست یابد و زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف و خواسته‌های منافع ملی فراهم گردد (Wrong, 1994: 202-204).

طرح مفهوم امنیت پایدار^۱ متضمن یک مفهوم نو در مباحث امنیتی است (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۲). «پایداری»، مفهوم تازه‌ای است که به‌ویژه در روند تحولات جهانی در سه دهه گذشته و بر اثر بیم‌ها و امیدهای نو طرح شده و گسترش یافته و با اقبال روبه‌رو شده است. امنیت پایدار، مستلزم توجه به تمامی وجوه امنیت است. به سبب ظرفیت‌های گرد آمده در امنیت پایدار با وجود پیشینه کوتاه آن، این مفهوم در پهنه‌های گوناگون به‌ویژه در موضوع «توسعه»، در سطح جهان و در محافل گوناگون بسیار مورد توجه قرار گرفته است. «پایداری» و مفاهیم ترکیبی آن مانند «امنیت پایدار»، ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (نصیری، مرداد و شهریور ۱۳۸۴: ۸۲ و ۱۶ و ۳۰). سطح امنیت در دو بُعد داخلی و خارجی و محیط امنیت شامل امنیت دفاعی، اقتصادی، سیاسی و فضای مجازی (سایبری) است که با توجه به محیط تهدیدها مانند تهدیدهای مربوط به احتمال ضربه نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی، تروریسم و تهدیدهای فضای مجازی باید مورد توجه قرار گیرند. (DRAFT, 25 June 2010: 4) در الگوی زیر طرحی از مفهوم امنیت پایدار ارائه می‌گردد.

شکل شماره ۱. الگوی مفهومی امنیت پایدار



بر این اساس، هر جامعه‌ای باید به موازت مواجهه فعالانه با هر گونه تهدید داخلی و خارجی از قابلیت‌های ویژه برای بهره‌گیری از «فرصت‌ها» در جهت افزایش منافع ملی نیز برخوردار باشد. سیر تحولات مفهومی امنیت، از اتکا تنها بر یک «بعد» از امنیت به سمت تأکید بر «ابعاد ترکیبی» از آن تغییر یافته است. محصول ترکیبی مزبور، در ادبیات سیاسی جهان معاصر «امنیت پایدار» نامیده می‌شود. امنیت پایدار، مقدمه واجب پیشرفت و توسعه پایدار است (Klaus, 2000: 25-30). مقوله‌های امنیت پایدار دارای دو مولفه امنیت داخلی و امنیت خارجی یا بین‌المللی است. در واقع امنیت پایدار تنها با اشراف بر مؤلفه‌های قدرت ملی و در قبال پدیده‌های داخل هر جامعه محقق نمی‌شود، بلکه یک بُعد مهم امنیت، ناظر بر امنیت در روابط خارجی است. امنیت پایدار تا حد

زیادی با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی پیوند دارد. به میزانی که یک کشور در تأمین نیازهای منطقه‌ای و بین‌المللی نقش ایفا می‌کند بر امنیت پایدار خود می‌افزاید. از سوی دیگر، افزایش توانمندی اقتصادی یک کشور و قدرت تأمین نیازمندی‌های ملی هم از مؤلفه‌های اصلی امنیت پایدار به شمار می‌آید. به هر حال وقتی از مقوله امنیت پایدار بحث می‌شود باید روشن باشد که مقصود امنیت چه کسی یا چه چیزی است. هدف ناامنی، «دولت» یا «سرزمین» و یا «جامعه» است، بنابراین سیاست‌های امنیت پایدار باید بتواند ضمن حفظ «تمامیت ارضی کشور»، «احساس امنیت پایدار» را در اقشار مختلف جامعه و در ابعاد گوناگون پدید آورد. پس باید منبع تهدید شناخته شود و مشخص گردد که منشأ خارجی یا داخلی آن کدام است. برای مثال تحریم‌ها ریشه خارجی و زلزله و خشکسالی ریشه داخلی دارند. به این منظور، حکومت‌ها به دنبال تأمین امنیت پایدار برای آحاد افراد جامعه، گروه‌های اجتماعی و نظام سیاسی خود هستند تا بتوانند فضای مناسب را برای نیل به هدف‌های راهبردی فراهم کنند. به هر حال رسیدن به امنیت پایدار، مستلزم پاسخ به این پرسش است که تهدید از چه ناحیه‌ای است و از کجاست و فرصت‌های نهفته در دل آن چیست؟ به این منظور، برای نیل به امنیت پایدار باید شاخص‌ها و مؤلفه‌های تولیدکننده امنیت پایدار را مورد بررسی قرار داد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۳. شاخص‌های امنیت پایدار

نیل به امنیت پایدار مستلزم داشتن «قدرت دفاعی» مناسب و مؤثر، «توان اقتصادی» متکی بر کارآفرینی و تولید ارزش افزوده، «همزیستی مسالمت‌آمیز» با همسایگان و کشورهای جهان و «تداوم مشروعیت سیاسی» و «کارآمدی دولت» است. لنور جی. مارتین، با آسیب‌شناسی رهیافت‌های واقع‌گرایی و لیبرالیستی امنیت‌شناسی در خاورمیانه، معتقد است که امنیت خاورمیانه را نمی‌توان مطابق الگوهای تقلیل‌گرایانه

واقع‌گرایانه و رهیافت ذهن‌گرایانه لیبرالی بررسی نمود، بلکه فقط می‌توان با رهیافتی تلفیقی و بومی، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بر این اساس، شاخص‌های تشکیل‌دهنده امنیت پایدار را می‌توان به شرح زیر برشمرد، البته وزن این شاخص‌ها در برای همه کشورهای یکسان نیست و در هر زمان ممکن است وزن آنها نسبت به یکدیگر تغییر کند.

۱-۳. وجود توان بازدارندگی در برابر تهدید خارجی

کشورهای خاورمیانه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران با انبوهی از مسائل و معضله‌های امنیتی و تهدیدهای بالقوه مواجهند که موجب شده است تا این منطقه تبدیل به یکی از نظامی‌ترین مناطق جهان گردد. خلیج فارس، مظهر چنین وضعیتی است؛ به‌گونه‌ای که هم اکنون تعداد زیادی از کشتی‌های جنگی بیگانه در آن حضور دارند و در آن تردد می‌کنند. سیاست‌ها و اقدام‌های آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت و ناامنی جهانی و طراحی امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. آمریکا در ۱۲ سال گذشته دو کشور همسایه ایران یعنی افغانستان و عراق را به اشغال خود درآورده است، از سوی دیگر بیش از ۲۵ سال است که کشتی‌های جنگی آمریکا برای مقابله با آنچه تهدید ایران می‌نامند در خلیج فارس مستقر شده‌اند. آمریکا پس از ارجاع برنامه هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ چهار دور تحریم علیه ایران را به تصویب رسانده است و از آخرین روزهای سال ۲۰۱۱ نیز تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا گذاشته است که مهم‌ترین آنها تحریم بانک مرکزی و نقل و انتقال پول با روش سوئیفت است. هم‌اکنون آمریکا به‌شدت از امنیت و بقای رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند و تنها تهدید علیه امنیت و بقای این رژیم را جمهوری اسلامی ایران می‌داند. در راهبرد جدید نظامی آمریکا که در ۵ ژانویه ۲۰۱۲ از سوی باراک اوباما اعلام شد، ایران به‌عنوان یکی از دو تهدید اصلی

امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رود، بنابراین تشدید تنش در روابط آمریکا با ایران از عوامل اخلاص‌کننده در امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران است. ایران زمانی از خطر دور می‌شود و به امنیت پایدار می‌رسد که امکان شکل‌گیری تهدیدهای خارجی را به تعویق انداخته و یا آنها را منتفی نماید. طبیعی است که داشتن قدرت دفاعی مناسب و توان بازدارندگی مانع عملی شدن تهدیدهای خارجی است. توان بازدارندگی، هم به مفهوم جلوگیری از امکان تصمیم‌گیری دشمن به عملی کردن تهدید است و هم به معنای واکنش مناسب نسبت به هر نوع تهدید نظامی تلقی می‌شود.

۲-۳. برخورداری از سیاست خارجی موفق و تعامل با کشورهای تأثیرگذار جهان

در اوضاع کنونی و در محیط امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از تداوم «روندهای گذشته» و «تغییر» به چشم می‌خورد. ظهور بیداری اسلامی در کشورهای عربی فضای امنیتی خاورمیانه را به نفع ملت‌ها و به ضرر دیکتاتورها و رژیم صهیونیستی تغییر داده است، اما آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه و نیز تعدادی از کشورهای منطقه مانند عربستان، قطر و ترکیه در تلاش برای تأثیرگذاری بر موج آزادی‌خواهی ملت‌های عربی هستند. این کشورها به دنبال هدایت و مدیریت وقایع موجودند تا بتوانند بر نفوذ خود در منطقه بیفزایند و اجازه ندهند ساختارهای ضد استکباری در حکومت‌های جدید به وجود آید. در بعضی از کشورها مانند سوریه هم اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مردم فرصتی را برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای توسعه رقابت پدید آورده و این کشور، به صحنه بازیگری قدرت‌های رقیب یا متخاصم تبدیل شده است. این امر، تلفات مردم و ارتش را بالا برده و نیل به مردم‌سالاری و آزادی را در این کشور با ابهام مواجه ساخته است. بنابراین باید توجه داشت که برخی از تهدیدهای امنیت ملی مربوط به محیط بین‌المللی و منطقه‌ای هستند و تغییر در محیط امنیتی می‌تواند باعث افزایش و یا کاهش ضریب امنیت ملی شود.

ویژگی‌های محیط بین‌المللی یکی از عوامل مؤثر بر رفتار دولت‌هاست که در ساختارهای متفاوت بر بازیگران تأثیر می‌گذارد. این محیط می‌تواند ساختاری «موازنه قوا»، «دو قطبی» یا «تک‌قطبی» داشته باشد. این عامل فراسوی مرزها عمل می‌کند. گرچه کشورها واحدهای مستقلی هستند، اما بی‌تأثیر از تعامل واحدها با یکدیگر نیستند (سیف‌زاده، ۱۳۸۰: ۷۲). به هر حال، سیاست خارجی موفق می‌تواند فرصت‌های فراملی را برای ارتقای اعتبار کشور و رفاه ملت به کار گیرد و بروز تعارض با سایر دولت‌ها را به حداقل برساند. استفاده از قدرت و دیپلماسی هوشمند به‌منظور به‌کارگیری ظرفیت‌های کشور برای پیوند زدن منافع ملی با نیازهای سایر کشورها موجب افزایش ضریب امنیت پایدار می‌شود. به میزانی که یک کشور روابط سیاسی و اقتصادی خود را با سایر کشورها به‌ویژه دولت‌های مؤثر جهانی گسترش می‌دهد بر امنیت خود می‌افزاید. پیوند متقابل و گسترش مشترکات امنیتی و نیز توسعه مراداد اقتصادی با کشورهای جهان به‌ویژه با همسایگان، ضریب امنیتی کشور را افزایش می‌دهد. در حال حاضر یک نوع واگرایی سیاسی و اقتصادی بین کشورهای عربی خلیج فارس و قدرت‌های غربی با ایران برقرار است که این، موجب کاهش تعامل‌های تجاری با آنها شده است. چنین وضعیتی موجب شده تا نیاز متقابل ایران با سایر کشورها کاهش یابد و تهدید شدن جمهوری اسلامی و بروز نا امنی در ایران موجب واگرمه سایر کشورها نشود. چنانچه امنیت در منطقه افزون بر هویت بر مبنای منافع متقابل طراحی گردد، می‌تواند موجب پایداری امنیت شود.

۳-۳. داشتن قدرت اقتصادی

در دوران معاصر، امنیت کشورها صرفاً با تهدید و اقدام نظامی به خطر نمی‌افتد، بلکه تضعیف توان اقتصادی و برقراری تحریم‌های بین‌المللی یکی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند تأثیرهای چشمگیری بر امنیت پایدار کشورها بر جای گذارد. در این

چارچوب، تحریم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که درصد عمده‌ای از درآمد ملی کشور و همچنین منابع تأمین بودجه سالانه دولت از این بخش حاصل می‌گردد. در شرایط کنونی وابستگی و حساسیت اقتصاد ایران به وضعیت صنعت نفت و گاز به قدری بالاست که هر گونه شوک منفی در درآمدهای نفتی ممکن است امنیت ملی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. امروزه مشکلی که پیش‌روی دولت قرار دارد، این است که از یک‌سو منابع قابل بهره‌برداری انرژی کشور رو به کاهش است و از سوی دیگر، به علت تحریم‌های بین‌المللی امکان بهره‌برداری بیشتر از منابع موجود مشکل‌تر شده است. تحریم‌های بین‌المللی ضمن اینکه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را با مشکل مواجه ساخته‌اند، دسترسی دولت ایران به منابع اعتباری بین‌المللی را نیز محدود کرده‌اند. از این‌رو، در صورت بحران صادرات انرژی و کاهش سریع درآمدهای نفتی ایران، دولت نمی‌تواند به راه‌حل تأمین مالی (فاینانس) متوسل گردد. چنین شرایطی می‌تواند چالش‌های پیچیده‌ای را متوجه امنیت ملی ایران سازد. در مجموع، ساخت طبیعی و اقتصادی ایران به گونه‌ای است که بیشتر، صادرکننده ماده خام نفت است و درآمدهای کشور به شکل گسترده‌ای به امنیت صادرات آن و حفظ بازار مصرف‌کنندگان وابسته است. این وضعیت باعث شده است که تولید ملی تا حد زیادی تحت تأثیر واردات انواع کالاها از یک‌سو و درآمد ارزی ناشی از فروش نفت از سوی دیگر قرار گیرد. شاخص‌های امنیت اقتصادی را می‌توان در سه شاخص «نرخ اشتغال»، «نرخ تورم» و میزان «درآمد سرانه» خلاصه کرد که هر سه آنها از معضله‌های کنونی کشور است.

۳-۴. نظام حکمرانی خوب

واژه‌ای حکمرانی خوب، بیانگر تغییر چارچوب نقش دولت و حکومت‌ها در کشورهاست و زمینه را برای مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرایند

تصمیم‌گیری فراهم می‌کند و بیانگر این واقعیت است که حکمرانی متعلق به مردم است و توسط مردم شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین الگوهای رفتاری اسلام، شیوه رفتار حکومت با مردم است. در دوران زمامداری امام علی (ع) دشمن به منطقه‌ای مرزی حمله کرد و خلخال از پای زنی یهودی درآورد. امام علی (ع) با شنیدن این خبر در سخنانی خطاب به مسلمانان فرمودند: «اگر فرد مسلمانی از غم چنین حادثه‌ای بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده من، شایسته کرامت است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴: ۲۸). برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی، شاخص‌های هشت‌گانه «مشارکت»، «حاکمیت قانون»، «شفافیت»، «مسئولیت‌پذیری»، «اجماع‌سازی»، «عدالت و انصاف»، «کارایی و اثربخشی» و «پاسخگویی» را برای حکمرانی خوب^۱ ارائه کرده‌اند. اجرای سند چشم‌انداز می‌تواند شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران را تأمین کند. از آنجا که دولت نقش اول را در ایجاد زمینه و بسترسازی برای اجرایی کردن سند چشم‌انداز بر عهده دارد و برنامه‌های پنج‌ساله را تنظیم و اجرا می‌کند، بنابراین چگونگی اعتقاد دولت به محتوای متن سند و نیز تبدیل آن به برنامه‌های کمی، تأثیر زیادی در تحقق یا عدم تحقق هدف‌های چشم‌انداز دارد. میزان توانایی و کارآمدی دولت نیز در به ثمر رساندن هدف‌های چشم‌انداز بسیار مهم است؛ زیرا دولت ناتوان و غیرکارآمد نمی‌تواند رشد اقتصادی ۸/۶ درصدی مورد نظر چشم‌انداز را که هر ساله باید تحقق یابد، به مرحله اجرا در آورد. طبیعی است که اگر حجم اقتصاد کشور بزرگ نشود و رشد اقتصادی مورد نظر در ایران اتفاق نیفتد، نه تنها پیشرفت در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در صنعت و فناوری محقق نخواهد شد، بلکه کشورهای رقیب، در افق چشم‌انداز از ایران جلو خواهند افتاد. از سوی دیگر، حکمرانی ناکارآمد، موجب فاصله گرفتن و جدا شدن نخبگان و فرهیختگان جامعه از حاکمیت خواهد شد که در مجموع باعث انشقاق داخلی خواهد شد. فرار مغزها و مهاجرت تحصیل‌کردگان و نخبگان و افراد فرهیخته، از شاخص‌های

حکمرانی ناکارآمد و علامت احساس ناامنی و تهدید سرمایه انسانی است که متأثر از عوامل اجتماعی و داخلی کشور نیز می‌باشد. همچنین فرار سرمایه نیز علامت ناامن بودن فضای کسب و کار و نامساعد بودن محیط کشور برای فعالیت‌های اقتصادی است که بیانگر ناکارآمدی حکمرانان و ساختار نامناسب دولت است.

۴. شاخص‌های ناامنی

افزون بر شاخص‌های ارائه شده در مورد امنیت پایدار می‌توان به اجزای تشکیل‌دهنده وضعیت ناامن و شاخص‌های ناامنی نیز اشاره کرد. آنچه موجب ناپایداری امنیت برای ایران می‌شود را می‌توان در حوزه‌های مربوط به «روابط بین‌المللی»، «اوضاع منطقه‌ای»، «آسیب‌پذیری‌های اقتصادی» و «شکاف‌های داخلی» کشور بر شمرد. طبیعی است که نیل به امنیت پایدار منوط به فائق آمدن بر این چالش‌ها و یا مدیریت مشکلات و پیامدهای ناشی از بروز آنهاست. شاخص‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده وضعیت ناامن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۴-۱. همزمانی آسیب‌پذیری‌های داخلی با یک تهدید مؤثر خارجی

تغافل نسبت به آسیب‌پذیری‌های کشور و دست کم گرفتن تحقق هدف‌های خارجی، موجب نزدیک شدن ایران به مدارهای خطر می‌شود. بنابراین ترمیم آسیب‌پذیری‌های داخلی و کاستن از میزان هدف‌های خارجی از راهکارهای نیل به امنیت پایدار است، اما پرسش این است که ماهیت و آستانه آسیب‌پذیری داخلی و تهدید خارجی را چگونه می‌توان برآورد نمود؟ عده‌ای از صاحب‌نظران هرگونه تنش داخلی را آسیب معرفی کرده‌اند و عده‌ای دیگر آسیب‌پذیری داخلی را بی‌اعتبار و تهدید خارجی را خیلی تعیین‌کننده شمرده‌اند، اما تأمل در متون امنیتی نشان می‌دهد که هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان عاری از تهدید و آسیب‌پذیری یافت و سطح و عمق خطر و

تهدید در مناطق مختلف جهان متفاوتند. باری بوزان و لنور جی. مارتین، معتقدند که آسیب‌پذیری داخلی و تهدید خارجی هنگامی امنیتی می‌شوند که سه عنصر تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی یعنی «تمامیت ارضی»، «شیوه حکمرانی» و «انسجام اجتماعی» را هدف قرار دهند؛ به‌گونه‌ای که شیوه حل سیاسی، اجتماعی آنها در قانون اساسی کشور پیش‌بینی نشده باشد و ناگزیر مسئله امنیتی شود. به هر حال مدیریت آسیب‌پذیری‌ها و اجازه ندادن به پیوند خوردن آنها با تهدید خارجی از مؤلفه‌های مهم نیل به امنیت پایدار است. پس می‌توان گفت که تقارن تهدید خارجی با آسیب‌پذیری داخلی منتهی به بروز خطر و تغییر رفتار و یا حتی ساختار حکومت می‌گردد.

۲-۴. بروز ناامنی شدید در محیط امنیتی ایران و کشورهای همجوار

خاورمیانه، منطقه‌ای منازعه‌پرور است و امنیت در آن دارای یک نوع معماگونه‌گی دارد؛ به این معنا که قصد یک کشور برای تعقیب یک هدف ممکن است به ضد آن تبدیل شود. برای مثال اگر یک بازیگر تصمیم بگیرد تا با تصرف بخشی از سرزمین کشور دیگر یا حمایت از گروه‌های داخل یک کشور بر میزان امنیت و قدرت خود بیفزاید، ممکن است معمای قدرت همان‌گونه که در مورد صدام حسین عمل کرد، به این روال رقم بخورد که کشور مزبور به جای اینکه امنیت بیشتری به دست بیاورد نه تنها تضعیف شود که حاکمیت خود را نیز از دست بدهد. مثال دیگر، اقدام آمریکا در سرنگونی دولت بعثی عراق است که باعث تقویت جمهوری اسلامی ایران شد، در حالی که انتظار ایالات متحده ترساندن و تضعیف ایران بود. از این‌رو سیاست‌گذاری کلان امنیتی ایجاب می‌کند که تصمیم‌های راهبردی با توجه به خصلت منازعه‌پروری و معماگونه‌گی باشد و عواقب سیاست‌ها پیشاپیش دیده شود. یکی از الزام‌های زیربنایی، مدیریت نرم‌افزاری امنیت خارجی کشور از طریق شناسایی، رصد و طبقه‌بندی موزائیکی تهدیدهای نرمی است که از فضای هر کدام از کشورهای همسایه می‌تواند

بنیان‌های اقتدار ملی ایران را با چالش‌هایی مواجه کند. به هر میزان که جمهوری اسلامی ایران شناخت دقیق‌تری از چالش‌های امنیتی کشورهای همسایه داشته باشد، به همان میزان، تحقق اولویت‌های کلان اسناد بالادستی نظام از جمله سند چشم‌انداز با هزینه کمتری محقق خواهد شد. در این راستا، وجود خشونت‌های فرقه‌ای در لایه‌های پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در پاکستان، افغانستان و عراق به‌عنوان یکی از کانون‌های چالش‌محور امنیت پایدار محسوب می‌شود. از سوی دیگر تروریسم، اصلی‌ترین و محوری‌ترین منبع تهدید عمده نظام جهانی در وضعیت کنونی است و بزرگ‌ترین مشکل کشورهای همسایه ایران است. تروریسم نه تنها باعث بی‌ثباتی کشورهای منطقه و همسایه ایران شده است، بلکه بهانه و مبنای بسیاری از مداخله‌های قدرت‌های بزرگ در امور داخلی کشورها یا اقدام نظامی علیه آنان در شرایط کنونی است.

جمهوری اسلامی ایران با ۱۵ کشور پُرماجرا و بین‌المللی همسایه است. در بعضی از این کشورها مانند عراق، افغانستان، پاکستان، عربستان، بحرین و قطر، قدرت‌های بزرگ دارای منافع مهمی هستند و حاضرند برای تأمین منافع خود، هزینه کنند و حتی بجنگند. روند تصمیم‌های امنیتی و اقتصادی در بیشتر این کشورها تحت تأثیر برنامه‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. طبیعی است که تعقیب هرگونه سیاست منطقه‌ای ایران موجب حساسیت بین‌المللی و نیز دارای پیامدهای جهانی است. از سوی دیگر، توسعه نامنی در محیط امنیتی ایران و در کشورهای همجوار به سرعت بر وضعیت امنیتی ایران نیز تأثیرگذار است. بنابراین اتخاذ سیاست‌هایی که بتواند بر امنیت کشورهای همجوار بیفزاید و آنها را از وجود دولت‌های ضعیف وابسته به آمریکا نجات دهد می‌تواند بر ضریب امنیتی جمهوری اسلامی ایران بیفزاید.

۳-۴. فرسایش سرمایه اجتماعی و بروز نارضایتی‌های اجتماعی

سرمایه اجتماعی عبارت از روابطی بین افراد جامعه است که سبب اعتماد، فداکاری و مسئولیت‌پذیری اقشار مختلف می‌شود. وجود سرمایه اجتماعی، هزینه مبادله‌های جمعی را کاهش می‌دهد و موجب افزایش رضایت‌مندی مردم می‌شود. سرمایه اجتماعی، نوعی دارایی نامشهود است که استفاده از آن، برخلاف سرمایه مالی از حجم آن نمی‌کاهد. در جامعه‌ای که اعتماد بین مردم با یکدیگر یا بین دولت و مردم کاهش می‌یابد، سرمایه اجتماعی دچار فرسایش می‌شود. کاهش سرمایه اجتماعی موجب نارضایتی‌های گوناگون در جامعه می‌شود و در نتیجه، ناامنی را گسترش می‌دهد. شاخص‌های امنیت اجتماعی عبارت از کاهش نرخ آسیب‌های اجتماعی از قبیل طلاق، خودکشی، میزان ناامنی‌ها در جامعه مانند سرقت، قتل و سایر جرائم و همچنین میزان احساس امنیت در بین مردم می‌باشد. یکی از منابع سرمایه اجتماعی در ایران وجود اقوام گوناگونی است که با یکدیگر همزیستی مناسبی دارند. ایران از اقوام و قومیت‌های گوناگون مانند لر، بلوچ، فارس، کرد، ترک، عرب، گیلک، ترکمن، سیستانی و مازنی تشکیل شده است که همگی دارای دین اسلام هستند و خود را ایرانی می‌دانند. ایران در زمره ممالک دارای تنوع فراوان قومی محسوب می‌شود. سرزمین ایران نه تنها در تاریخ گذشته خود، بلکه هم اکنون نیز دارای ساختار چند قومی و ترکیبی از گروه‌های متنوع قومی می‌باشد که زیبایی خاصی به ملت ایران داده است. در حال حاضر، آمیختگی و امتزاج فراوانی در قومیت‌های ایرانی رخ داده است (مختارزاده، ۱۳۸۳: ۴۷). در بعضی از کشورها، تعدد گروه‌های قومی و مذهبی، به‌علت تفاوت‌های ماهیتی با نظام حاکم، منشأ بالقوه‌ای برای تضعیف وفاق و تهدیدی برای انسجام اجتماعی است. ایران هم به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ماهیت نظام سیاسی در طول حیات خود گاهی اوقات با جنبش‌ها یا تحركات قومی یا به نوعی با ایدئولوژی جغرافیای قوم‌گرایانه مواجه بوده است. این گرایش‌ها در ایران گاهی اوقات مورد توجه قدرت‌های خارجی و ابزار فشار

بر حکومت مرکزی واقع شده است، بنابراین گسیختگی قومی یا مذهبی می‌تواند موجب کاهش سرمایه اجتماعی در یک جامعه شود، اما دولت می‌تواند با اجرای مستمر سیاست برابر بودن همه اقوام و مذاهب در بهره‌برداری از مزایای قانون همان گونه که قرآن کریم هم به جای توجه به تفاخر به قوم و قبیله فرموده است: «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم» به انسجام جامعه کمک کند.

۴-۴. افزایش نرخ جرایم سازمان یافته

جرایم سازمان یافته که توسط شبکه‌های ساختاریافته انجام می‌شود، اقتدار دولت را زیر سؤال برده و باعث ناامنی روانی در جامعه می‌گردد و یکی از مسائل مهم امنیتی محسوب می‌شود. رشد فعالیت‌های گروه‌های تبهکار و زورگیری‌ها سبب درماندگی دولت‌ها و تصور وجود ناامنی در جامعه می‌گردد. وجود فقر و نابسامانی‌های اقتصادی زمینه را برای جذب افراد در گروه‌های شرارت یا حتی تروریستی مهیا می‌کند و بر ناامنی می‌افزاید.

افزون بر موارد فوق، مسائل زیست محیطی از قبیل خشک شدن بسیاری از اراضی و در نتیجه، پرواز ریزگردها و نیز کاهش سطح دریاچه‌هایی مانند ارومیه و هامون و کاهش وسعت جنگل‌ها و افزایش بیابان‌ها هم از جمله مشکلاتی است که عدم توجه به آنها می‌تواند فجایع زیست محیطی را به همراه آورد و تأثیر منفی بر امنیت پایدار بگذارد. بنابراین امنیت هنگامی فراگیر و پایدار می‌شود که از مرحله واپایش عبور کرده و از رهگذر رضایت و قانونمندی و سازگاری حقوق با تکلیف گسترش یابد.

۵. ابعاد و مؤلفه‌های امنیت پایدار در سند چشم‌انداز

در متن اصلی سند چشم‌انداز مؤلفه‌های امنیت پایدار مورد نظر در افق ۱۴۰۴ بیان شده است. تحلیل محتوای سند اعم از بیانیه و ویژگی‌های چشم‌انداز و انطباق آن با

مؤلفه‌های امنیت، شاخص‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد که توجه به آنها مفهوم و جایگاه امنیت را در این سند متجلی می‌سازد. با توجه به رویکرد چشم‌انداز می‌توان نوع نگاه به امنیت در این سند و به تبع آن جایگاه امنیت در آن را مشخص ساخت. بررسی مؤلفه‌های سند چشم‌انداز حاکی از توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به امنیتی ملی مبتنی بر توسعه پایدار و جنبه‌های مثبت امنیت می‌باشد. در رویکرد ایجابی تلاش بر این است که به امنیت به مثابه مفهومی مستقل نگریسته شده و تحولات نوین اجتماعی و شرایط ذهنی و عینی آن در تبیین امنیت مورد توجه قرار گیرد. در این نگرش، امنیت به «فقدان تهدید» محدود نشده و افزون بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ امنیت نیز مورد نظر قرار می‌گیرد و از این رو، امنیت از یک «وضعیت» به یک «تولید اجتماعی» تبدیل می‌شود، بنابراین فقدان تهدید زمانی معنادار می‌شود که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد. به عبارت دیگر در این رویکرد تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است. بنابراین کسب قدرت و توانایی در کانون تعریف این رویکرد از امنیت واقع شده و بر این اساس «امنیت برای» پیشرفت و رفاه جایگزین تعاریف دیگر می‌گردد و گسترش امنیت به جای کسب و حفظ آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. به این ترتیب، رهایی نسبی از تهدیدهای اغلب نظامی بیرونی که در تعریف «فقدان تهدید» مورد تأکید است به توانایی برای رویارویی با هر گونه تهدید بیرونی و آسیب‌پذیری درونی تحول می‌یابد، بنابراین امنیت، هم‌نشین با مفاهیمی مانند توسعه، رفاه و پیشرفت می‌شود که همگی ناظر بر قدرت و توانایی ملی از یک سو و اقتدار و توانمندی بین‌المللی از سوی دیگر هستند. دستیابی به هدف‌های ترسیم شده در سند چشم‌انداز در ابعاد دفاعی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی، مستلزم به‌کارگیری ظرفیت‌ها و منابع و استفاده بهینه از سرمایه‌هاست (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲). هدف نهایی ترسیم شده در چشم‌انداز، رسیدن به سطح مناسب و تعریف‌شده‌ای از پیشرفت و

توسعه می‌باشد. به طور کلی، ابعاد و مؤلفه‌های امنیت پایدار در سند چشم‌انداز را می‌توان به شرح زیر مشخص کرد:

۱-۵. کشور امن

ایران بر اساس ویژگی سوم بیان شده در سند چشم‌انداز، کشوری امن، مستقل و مقتدر می‌باشد (متن سند چشم‌انداز). این رویکرد دارای وجوه ایجابی و سلبی می‌باشد و دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی است. کشوری می‌تواند امن باشد که در داخل کشور، مردم از حداقل‌های زندگی برخوردار باشند و دولت نگرانی از تهدید خارجی نداشته باشد. در کشور امن، آحاد مردم از امنیت در حوزه‌های مختلف برخوردار هستند و در آسایش و به دور از ترس، خوف و ارباب به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند. در این جامعه، ملت در برابر تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزهای ملی خود، امنیت دارد. تأمین امنیت جامعه یعنی خنثی کردن تمامی نیروهای تهدیدکننده داخلی که می‌تواند سیاسی، اقتصادی، امنیتی و یا اجتماعی باشند که هر کدام به نوعی جامعه و دولت را تحت فشار و مورد تهدید قرار می‌دهند. افزون بر آن، طبق بند اول سند، ایران در افق چشم‌انداز، کشوری بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی است (متن سند چشم‌انداز). این ویژگی‌ها دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی و رویکردی ایجابی است. امنیت اجتماعی به مفهوم آزاد بودن مردم در شیوه زندگی خود بدون نگرانی از ناامنی‌های اجتماعی است. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. منظور از امنیت اجتماعی، بیشتر این است که افراد جامعه در زندگی و مناسبات اجتماعی خود، از تمام تهدیدها و اقدام‌های خلاف قانون چه از سوی افراد، چه از سوی گروه‌های سیاسی و حکومت و عوامل آن، فارغ و آسوده باشند. ایجاد نظم و سازوکار اجتماعی تعریف‌شده در حین عبور و مرور مردم در مراکز عمومی و دفاع از مردم و برخورد با گروه‌های تبهکار، با هدف استقرار امنیت پایدار در سطح کشور از

مظاهر امنیت اجتماعی به شمار می‌آید. امنیت قضایی همان‌گونه که در اصل سوم قانون اساسی بیان شده، نیز از مفاهیمی است که در بند اول چشم‌انداز به آن اشاره شده است (متن سند چشم‌انداز). امنیت قضایی به معنای برابر بودن آحاد مردم در محاکم و در مواجهه با قانون است. به این مفهوم که قوه قضائیه به مردم ظلم نخواهد کرد و مردم از اقدام‌های خلاف قانون واحدهای دادگستری در امان هستند. استقرار امنیت و عدالت قضایی و ایجاد نظم حقوقی و حاکمیت قانون در روابط اجتماعی و اقتصادی یکی از اهداف سند چشم‌انداز است. عملکرد نظام قضایی در هر کشور بیانگر درجه مطلوبیت شیوه حکمرانی در آن کشور است. از سوی دیگر در بند هفتم سند چشم‌انداز آمده است که ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری با جامعه اخلاقی و نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی است (متن سند چشم‌انداز). ایجاد جامعه اخلاقی، هدف بزرگ پیامبران خداست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» یعنی برای تمام کردن اخلاق مبعوث شدم. در جامعه اخلاقی انسان‌ها با آرامش و احساس امنیت و بدون دغدغه زندگی خواهند کرد. در جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم است، امنیت در همه ابعاد آن به اوج می‌رسد و افراد در آن با هم احساس برادری خواهند کرد. تصریح خداوند بر «انما المومنون اخوه و اصلاح ذات‌البین» به این مفهوم است که اگر مشکلی در روابط افراد پدید آمد «فاصلحوا بین اخویکم» چراغ راه است. با این شیوه است که یک جامعه اخلاقی پدید می‌آید.

۲-۵. امنیت اقتصادی

به مقوله امنیت اقتصادی در متن سند چشم‌انداز با این عبارت اشاره شده است: «ایران کشوری است توسعه‌یافته به همراه رشد پُرشتاب و مستمر اقتصادی، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی منطقه، ارتقای نسبی درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل». همچنین ویژگی چهارم چشم‌انداز، ایران را کشوری به دور از فقر توصیف می‌کند (متن

سند چشم‌انداز). یکی از عناصر تهدیدکننده امنیت، فقر مردم است. گفته می‌شود شکمی که گرسنه است، ایمان ندارد. فقر علامت یک عدم توازن ساختاری و ریشه‌دار است که ارتباط عمیقی با محرومیت اجتماعی، آسیب‌پذیری، بی‌قدرتی، انزوا و ابعاد دیگر محرومیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد (روحانی، ۱۳۸۹: ۶۳۷). کمی در آمد، بحران‌های اقتصادی، افزایش بیکاری و افزایش تعداد جمعیت زیرخط فقر در دوره‌های رکود و تورم شدید از عوامل مهم ازدیاد انواع جرایم از جمله دزدی، خودکشی، اختلال‌های روانی، اعتیاد، جاسوسی، طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. فقر، تهدیدی اساسی برای امنیت کشورهاست؛ زیرا فقر موجب بروز خشونت و گسترش فاصله طبقاتی می‌شود و افراد فقیر را از حوزه سرمایه انسانی خارج و بعضی از آنها را به عوامل ناامن‌ساز جامعه تبدیل می‌کند. پیامبر اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «اللهم انی اعوذ بک من الکفر و الفقر» یعنی خدایا من از کفر و فقر به تو پناه می‌برم (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۶: ۱۰۴). یکی دیگر از هدف‌های مهم سند چشم‌انداز ایجاد ساختاری در نظام اداری کشور است که در آن فساد نباشد (متن سند چشم‌انداز). عدم دسترسی به اطلاعات و عدم شفافیت‌های بودجه‌ای، بانکی، بازارهای مالی، قیمت‌ها و قراردادهای و نیز عدم پاسخگویی مسئولان حکومتی از عوامل اصلی تولید فساد در هر کشوری است. در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران از جمله در بند ۱۲ نیز موضوع مبارزه با فساد و پیشگیری از فساد پرداخته شده است. در بین عوامل مختلفی که امنیت ملی و نظم عمومی را در یک جامعه به مخاطره می‌اندازد، مسئله فساد می‌باشد که به دلیل ناکارآمد بودن نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و ایجاد انحراف کارکردی در آنها نظم و امنیت ملی و اجتماعی را با چالشی عمیق مواجه می‌سازد (دادگر، مرداد و شهریور ۱۳۸۸: ۱۲۰). از جمله هزینه‌های فساد اقتصادی و سیاسی، افزایش شکاف طبقاتی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به حکومت است که

می‌تواند به بحران‌های سیاسی با پیامدهای امنیتی در سطح ملی منتهی شود. فساد از عوامل برجسته فروپاشی حکومت‌ها و حتی تمدن‌ها در طول تاریخ بوده است. از سوی دیگر در ویژگی‌های بند چهارم سند چشم‌انداز، ایران کشوری به دور از تبعیض توصیف شده است (متن سند چشم‌انداز). تبعیض یکی از عوامل تولیدکننده ناامنی روانی در جامعه است. برای نیل به امنیت پایدار، نیاز به ایجاد جامعه‌ای بدون فقر و فساد و تبعیض است. تبعیض به مفهوم افزایش فاصله بین دهک‌های جامعه است. تبعیض تولیدکننده بغض بخشی از جامعه نسبت به افراد و گروه‌های برخوردار اجتماعی است که ایرانیان نسبت به آن بسیار حساسند. در تقسیمات برخوردار آحاد ملت، بخشی از مردم زیر خط فقر هستند، بخشی، طبقه متوسط‌اند و بخش سوم جزو متمکنان و مرفهان جامعه می‌باشند. هدفی که در برنامه‌های توسعه کشور دنبال می‌شود این است که طبقات پایین و زیرخط فقر به سطح طبقات متوسط برسند و طبقات متوسط هم از یک زندگی پایدار و معیشت قابل قبول برخوردار شوند. در کنار اینها طبقاتی هستند که جزو آسیب‌دیدگان‌اند و اینها در همه بخش‌ها هستند. این دسته هم باید با حمایت‌های ویژه، معیشت مطلوب داشته باشند. بخشی دیگر از جامعه، در نقاط محروم و روستاها هستند که از نظر جغرافیایی، آسیب‌دیده و یا عقب‌مانده‌اند. برای آنها هم سیاست توازن جغرافیایی در نظر گرفته شده تا با بودجه‌ها و هزینه‌های خاص، در وضعیتی قابل قبول قرار گیرند (مهدی‌پور، زمستان ۱۳۸۴: ۴۰).

۳-۵. بازدارندگی همه‌جانبه

بر اساس بند سوم سند چشم‌انداز، ایران کشوری مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت است (متن سند چشم‌انداز). تجربه مهم ایران در دوران جنگ تحمیلی رسیدن به بازدارندگی از طریق بسیج مردمی و تلاش برای توسعه صنایع نظامی و ساخت سلاح‌های مختلف به‌ویژه موشکی بوده

است. حضور داوطلبانه مردم در جبهه‌های جنگ، عامل اصلی موفقیت ایران در مصاف با ارتش مجهز عراق بود. تکیه بر ظرفیت‌های ملی توان زیادی را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشت که نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی‌های ایران داشت. باید توجه داشت که سیاست قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا بر مبنای توانایی‌های نظامی تعیین می‌شود و این امر باعث می‌شود که همواره احتمال وقوع جنگ وجود داشته باشد و هیچگاه این احتمال به میزان مطمئنی تنزل نکند (Mearshiemer, 2001: 45). بعضی معتقدند که فقط دارا بودن قدرت بازدارندگی می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط قدرت‌های بزرگ جلوگیری نماید و در صورت وقوع تهاجم نظامی، مانع شکست کشور در جنگ شود.

۴-۵. دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان

بر مبنای ویژگی هشتم سند، ایران در افق چشم‌انداز کشوری است که دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت می‌باشد (متن سند چشم‌انداز). این سیاست جمله پایانی سند است که پیوند وثیقی بین ابتدا و انتهای سند چشم‌انداز ایجاد می‌کند. این دیدگاه دارای ابعاد سیاسی بوده و رویکرد آن ایجابی است. در چارچوب اقتصاد جهانی، بی‌تعامل سازنده با نظام جهانی نمی‌توان امنیت ملی و رشد درازمدت اقتصادی را تضمین کرد. از این رو سند چشم‌انداز بر تعامل فعال با کشورهای جهان در همه عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی تأکید کرده است. شیوه تعامل ایران با جامعه بین‌المللی می‌تواند بر چگونگی تحقق یافتن هدف‌ها در سند چشم‌انداز و بهبود جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی اثر گذارد. در بخش‌های گوناگون سند چشم‌انداز بر توسعه اقتصادی دانایی‌محور در تعامل با جهان تأکید شده است. ایران هنگامی از حیاتی تثبیت شده برخوردار می‌گردد که بتواند به‌عنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد منطقه‌ای و روابط بین‌المللی عمل

کند. به این منظور، گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همزیستی فعال با جهان و بیرون رفتن از انزوا با سرلوحه قرار دادن اصول عزت، حکمت و مصلحت از مهم‌ترین راهکارها برای دستیابی به هدف‌های سند چشم‌انداز است (کریمی، مرداد و شهریور ۱۳۸۶: ۱۴۸). همچنین بر مبنای بند هفتم سند، ایران در افق چشم‌انداز، کشوری مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) است (متن سند چشم‌انداز). طبیعی است زمانی ایران می‌تواند چنین نقشی را در جهان اسلام ایفا کند که خود کشوری امن و پیشرفته در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی و علاقمند به توسعه روابط با کشورهای مسلمان باشد تا ملت‌های اسلامی، علاقمند به الگوگیری از جمهوری اسلامی باشند. در این صورت است که نه تنها ایران هیچ‌گونه نگرانی امنیتی از سوی کشورهای همسایه و منطقه نخواهد داشت، بلکه کشورهای جهان اسلام هم توسعه امنیت خود را در همگرایی با ایران مشاهده خواهند کرد.

۶. چگونگی نیل به امنیت پایدار بر اساس سند چشم‌انداز

راه و شیوه رسیدن به امنیت پایدار از دیدگاه سند چشم‌انداز، قوی شدن جامعه ایران در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فناوری، سیاسی، نظامی و فرهنگی است؛ زیرا عوامل خطرناک و تهدیدکننده امنیت پایدار متنوع و متکثرند. اگر ایران بخواهد قدرتمند شود، ناگزیر باید پیشرفت کند و توسعه یابد. لازمه پیشرفت و توسعه، عدم نگرانی از ناپایداری در امنیت مردم و نظام جمهوری اسلامی است. برای نیل به پیشرفت نیاز به بهره‌گیری از منابع و سرمایه‌های داخلی و خارجی و تعامل با مراکز قدرت و ثروت در جهان است. این مراکز قدرت در خاورمیانه قرار ندارند و سایر قدرت‌ها هم در صورت وجود امنیت پایدار حاضر به همکاری با ایران هستند. توسعه قدرت اقتصادی و سیاسی و دفاعی و سایر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ایران می‌تواند سایر قدرت‌های جهانی و

منطقه‌ای را وادار به همکاری با ایران بنماید. به هر حال شیوه‌های امنیت‌سازی از دیدگاه سند چشم‌انداز به شرح زیر است:

۱-۶. رسیدن به قدرت بازدارندگی همه‌جانبه

در چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت است (متن سند چشم‌انداز). تجربه ایران از دوران جنگ تحمیلی و نیز ساختارهای بین‌المللی و مسابقه تسلیحاتی موجود در خاورمیانه و همچنین تداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه، ایران را وادار به اتخاذ سیاست بازدارندگی در حوزه دفاعی کرده است که این سیاست در سند چشم‌انداز تصریح شده است. در واقع ایران به دنبال ایجاد موازنه قوایی در سطح راهبردی است تا تهدیدکنندگان را از اتخاذ به تصمیم جنگ احتمالی باز دارد. رسیدن به قدرت بازدارندگی همه‌جانبه دارای سه مؤلفه مهم به شرح زیر است:

(۱) تقویت مستمر توانمندی‌ها و قابلیت‌های نظامی،

(۲) توسعه صنایع کشور به منظور تولید سلاح‌ها و مهمات مورد نیاز برای جنگ

احتمالی،

(۳) افزایش توان بسیج مردمی و سازماندهی نیروهای داوطلب.

قدرت بازدارندگی همه‌جانبه در صورتی تحقق می‌یابد که بتواند با راهبردهای چندگانه با تهدیدهای ناهمگون مقابله کند (Simon, 2007: 135). تهدیدهای ناهمگون ماهیت متنوع، فراگیر، چند لایه و پیچیده دارند.

۲-۶. کسب جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری

در سند چشم‌انداز به بُعد نرم‌افزاری امنیت تأکید شده است که دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، فناوری و علم می‌باشد. کشورهای ضعیف و در حال توسعه، نسبت به

کشورهای توسعه‌یافته در مقابله با چالش‌های فراوانی که امنیت آنها را تهدید می‌کند، قدرت، توانایی و ظرفیت‌های محدودتری دارند. در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل معرفی شده است. بر مبنای متن سند چشم‌انداز، توسعه اقتصادی نیروی محرکه ایران به سوی پیشرفت در حوزه‌های گوناگون خواهد بود. یکی از مفاهیم جدید بیان‌شده در سند چشم‌انداز، مؤلفه سرمایه اجتماعی است. در بند دوم ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری توسعه‌یافته، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی است (متن سند چشم‌انداز). توجه نظریه‌پردازان توسعه به سرمایه اجتماعی از نشانه‌های تحول در نظریه‌های توسعه است. این مؤلفه با تأکید بر توسعه پایدار بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی امنیت تأکید دارد، توسعه اقتصادی، علمی و فناوری بخش مهمی از قدرت ملی است که تغذیه‌کننده اقدام‌های لازم برای نیل به امنیت پایدار است. بخشی از منابع قدرت ملی در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفته است که می‌تواند ایران را در رسیدن به جایگاه اول منطقه‌ای کمک کند. پیشرفت و توسعه‌یافتگی، کشور را امن‌تر می‌کند و دولتمردان را در مواجهه با چالش‌های امنیتی تواناتر می‌سازد.

۳-۶. تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی

در چارچوب جهانی شدن اقتصاد، بدون تعامل سازنده با کشورها و نظام بین‌المللی نمی‌توان امنیت ملی و رشد بلندمدت اقتصادی را تضمین کرد. از این‌رو سند چشم‌انداز بر تعامل فعال با جهان در همه عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی تأکید کرده است. در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری دارای تعامل سازنده

و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت است (متن سند چشم‌انداز). پس از پایان جنگ سرد، وابستگی متقابل جهانی بین کشورها افزایش یافته است و اعمال حاکمیت ملی در کشورها نسبت به دوره پیش، محدودتر شده است. بنابراین مفهوم امنیت نیز دچار دگرگونی شده و کشورها به جای تقابل با یکدیگر، تأمین امنیت خود را در همکاری مشترک با یکدیگر جست‌وجو می‌کنند. برای مثال کشت مواد مخدر در افغانستان به نوعی باعث اخلال در امنیت ایران می‌شود و جمهوری اسلامی راه ریشه‌کن کردن آن را افزون بر همکاری با دولت افغانستان در تعامل سازنده با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌داند. در محیط بین‌الملل همواره فرصت‌هایی نهفته است که با به‌کارگیری آنها می‌توان منافع و امنیت ملی را تقویت نمود. ویژگی رویکرد تعامل این است که یک همکاری دو سویه سازنده را برای نیل به منافع مشترک شکل می‌دهد و ضمن جلوگیری از زیاده‌خواهی و زورگویی طرف مقابل یک بازی برد-برد را برای طرفین به ارمغان می‌آورد. بنابراین با غلبه برداشت امنیتی مثبت در سند چشم‌انداز، ایران در تلاش است تا از تهدیدهای پیش‌رو به نفع فرصت بهره‌برداری کند و از کنش‌های تعاملی، رقابتی، کم‌هزینه و دامنه‌دار به جای کنش‌های تقابلی، اعمالی پرهزینه و محدود مدد جوید (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷).

۴-۶. توسعه ساختارهای حکومتی کارآمد

در چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی است (متن سند چشم‌انداز). ساختارهای حکومتی کارآمد و مردم‌سالار موجب افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی می‌شود. در چنین حکومتی، مردم احساس می‌کنند که با حضور خود در

صحنه‌های سیاسی، سرنوشت خویش را تعیین می‌کنند و این امر موجب افزایش ضریب امنیت ملی خواهد شد. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «یکی از چیزهایی که رضایت عموم به آن بستگی دارد این است که حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می‌کند. با این چشم که آنها برده و مملوک و خود مالک و صاحب اختیار است؟ و یا با این چشم که آنها صاحب حق‌اند و او خود تنها وکیل و امین و نماینده است؟ در صورت اول هر خدمتی انجام دهد از نوع تیماری است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش انجام می‌دهد و در صورت دوم، از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است» (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۴۱). در چنین وضعیتی است که کارآمدی حکومت افزایش می‌یابد.

۵-۶. تأمین رفاه جامعه و برخورداری مردم از فرصت‌های برابر

برخورداری از رفاه مادی به مفهوم تأمین نیازهای متعارف خانوارها و ارتقای سطح درآمد آنها و ایجاد جامعه‌ای با اشتغال کامل و بدون بیکاری است. در چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب است (متن سند چشم‌انداز). راضی بودن مردم کمک فراوانی به توسعه امنیت داخلی و همراهی مردم با حکومت می‌کند و می‌تواند به انسجام ملی کمک کند و باعث امنیت پایدار شود. بنابراین هر جامعه‌ای که دچار گسست و شکاف بین خواسته‌ها و داشته‌ها و ظرفیت‌های خود شود به سوی نارضایتی، اعتراض، آشوب و در نهایت به سوی ناامنی پیش می‌رود.

نتیجه گیری

در سند چشم‌انداز رسیدن به امنیت پایدار هم هدف است و هم وسیله‌ای برای نیل جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اول منطقه‌ای است. باید توجه داشت که با توسعه و پیچیده‌تر شدن جوامع، خواسته‌های مردم نیز ارتقا و افزایش می‌یابند، بنابراین حاکمیت باید بتواند متناسب با افزایش مطالبه‌های مردم، خواسته‌های آنان را برآورده سازد تا به امنیت پایدار دست یابد. میزان برآورده شدن خواسته‌های مردم در بروز امنیت یا ناامنی مؤثر است. در سند چشم‌انداز بیست ساله، ابعاد مختلف نیل به امنیت پایدار مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، در ده کلمه در بندهای مختلف سند به شکل مستقیم و غیرمستقیم به موضوع امنیت پرداخته است. در این سند به شکل تلویحی بایسته‌های نیل به امنیت پایدار تعیین گردیده است که در متن مقاله به آنها اشاره گردیده است. جهت‌گیری سند چشم‌انداز نیل به قدرت و جایگاه اول منطقه‌ای با حفظ امنیت پایدار برای جمهوری اسلامی ایران است. باید توجه داشت که ایران در محیط بسیار متحول امنیتی خاورمیانه قرار گرفته است و به‌عنوان یک بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای در حال رقابت با قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای است. ایران برای ایفای نقش فعال خود نیاز به امنیتی پایدار در فضای پر چالش کنونی دارد. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران یک برنامه راهبردی و درازمدت برای توسعه اقتصادی و امنیت پایدار در کشور محسوب می‌شود. پیشرفت مستمر و امنیت پایدار، مکمل یکدیگر بوده و هر یک زمینه‌ساز توسعه دیگری است. امنیت پایدار شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی و توسعه موزون کشور است. توسعه پایدار نیز زمینه‌ساز گسترش و تقویت و ارتقای امنیت ملی و اجتماعی است. رابطه این دو مقوله بسیار ظریف و حساس می‌باشد و تلفیق این دو برای بسترسازی هر یک برای دیگری، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. نیل به جایگاه اول منطقه‌ای نه تنها یک هدف اساسی برای پیشرفت ایران است، بلکه به منزله ابزاری برای حفظ امنیت پایدار کشور هم تلقی می‌شود. در ساختار امنیتی پیش‌بینی شده در سند

چشم‌انداز نیل به امنیت پایدار بیشتر متکی بر توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی ایران طراحی شده است. بر اساس این ساختار، ایران در نظام‌های امنیت بین‌المللی، ائتلاف‌ها و همکاری‌های امنیت منطقه‌ای وارد نخواهد شد و برای امنیت خود بدون توجه به ساختارهای امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری خواهد کرد. از سوی دیگر رویکرد این سند در امنیت داخلی بر مفهوم رضایت‌مندی مردم قرار دارد.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، ارائه شده در: *همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ج.۱.۱. ایران*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳. افتخاری، اصغر (دی‌ماه ۱۳۸۹)، مفاهیم راهبردی امنیت ملی، *نمای راهبردی*، سال هشتم، شماره ۲۰، تهران، نشریه مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۴. افتخاری، اصغر، مهدی نادری باباناری و حسین میسمی (۱۳۹۰)، بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز ج.۱.۱. در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه، تهران، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم.
۵. بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. تاجیک، محمدرضا (تایستان ۱۳۷۷)، *انتظام در پراکندگی: بحثی در امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره دوم.
۷. دادگر، یدالله و روح‌الله نظری (مرداد و شهریور ۱۳۸۸)، بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۶۴-۲۶۳.
۸. ربیعی، علی (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. روحانی، حسن (۱۳۸۹)، *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۰. *روضه الواعظین*، القتال النیشابوری
۱۱. *سند چشم‌انداز ۲۰ ساله*، تهران، انتشارات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۲. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۰)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران، نشر میزان.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، جلد هشتم، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. عباس‌زاده، هادی و کرمی، کامران (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵۱.

۱۵. عزتی، مرتضی و محمدعلی دهقان (۱۳۸۷)، *امنیت اقتصادی در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، *فقه سیاسی*، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. کریمی، زهرا (مرداد و شهریور ۱۳۸۶)، *پایبندی به اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال بیست و یکم، شماره ۲۳۹-۲۴۰.
۱۸. مختارزاده، مجید (۱۳۸۳)، سلسله مقالات قومیت‌شناسی امنیتی، *ماهنامه سخن آشنا*، سال دوم، شماره ۱۰-۸.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، جلد ۱۶، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. مکین لای، رابرت (۱۳۸۰)، *امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. مهدی‌پور، حسین (زمستان ۱۳۸۴)، *سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به روایت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، فصلنامه حکومت اسلامی*، سال دهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۸).
۲۲. نصیری، حسین (مرداد و شهریور ۱۳۸۴)، *امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال نوزدهم، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
۲۳. *نهج البلاغه* (۱۳۷۴)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چاپ هفتم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. *نهج الفصاحه* (۱۳۸۶)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان چاپ و انتشارات بدرقه جاویدان.

۲. منابع انگلیسی

1. Cohen, Stephen (1987), *The Security of South Asia: American and Asian Perspectives*, Illinois, University of Illinois Press.
2. Department of Defense (5 June 2003).
3. DRAFT (25 June 2010).
4. Klaus, D (2000), *Geopolitics in a Changing World*, London, Prentice Hall.
5. Law, J (1994), *Organizing Modernity*, Cambridge, Black Well Publishers.
6. Mearshiemer, John (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, Norton Company.
7. Mitchell, Paul (2000), Network Centric Warfare, *Adelphi Paper*, No 385, London,
8. Simon, Steven (2007), American and Iraq: The Case for Disengagement, *Survival*, Vol, 49, No. 1.
9. Wrong, Dennis (1994), *The Problem of Order*, Cambridge, Cambridge Harvard University.